**چند نامه از شاه عباس کبیر بامیر تسکانا در ایتالیا: تاریخ روابط سیاسی ایران با اروپا**

**فرهودی، حسین**

در کتابخانهء شهر تاریخی فلورانس اسناد متعددی دربارهء روابط میان ایران و امیر تسکانا Toscana که مربوط باواخر قرن شانزدهم تا چندسالی از اوایل قرن هفدهم میشود وجود دارد.در میان این اسناد اصل پنج نامهء تاریخی از شاه عباس کبیر دیده میشود که بدربار امیر تسکان فرستاده شده،و همچنین‏ اصل نامه‏ای از رابرت شرلی سفیر شاه عباس در دربارهای اروپا که خطاب بهمان امیر نوشته است وجود دارد.آنچه از مجموع این نامه‏ها برمیآید این است که شاه هباس سعی داشته روابط سیاسی و تجارتی‏ میان ایران و دول مسحی را بسط دهد و در معنی از تیرگی روابط میان دول مسیحی و دولت عثمانی‏ استفاده کرده یک نوع اتحادیه‏ای میان خود و پادشاهان و امرای مسیحی بر ضد دولت عثمانی بوجود آورد،زیرا چنانکه میدانیم پایهء سیاست ملی خاندان صفویه از آغاز ظهور این دودمان در عرصهء سیاست‏ مخالفت و جنگ با دولت عثمانی میکند و آن جمله این است که از امیر تسکان میخواهد در دفع و رفع دشمنان تقصیر ننماید.اکنون توضیحاتب دربارهء نامه اول میدهیم:

این نامه با خط نستعلیق معمولی که بخط دیوانی معروف است و بر روی کاغذ مستطیل بطول‏ 77 سانتیمتر و بعرض 33 سانتیمتر نوشته شده است و مهر شاه عباس که بشکل مستطیل 42 میلیمتر در 36 میلیمتر میباشد بر پشت آن خورده است.سجل شاه عباس که شامل شعار روحانی او و سال تهیهء آنست‏ در وسط مهر قرار دارد باین عبارت:اللّه حسبی(999)در زیر این شعار نوشته شده است: عباس بنده شاه ولایت و در اطراف مهر این اشعار نوشته شده است:

با عالی جانب هر که نه نکوست‏ هر که اوباش من ندارم دوست‏ هر که چون خاک نیست بر در او گر فرشته باشد خاک بر سر او

مرجع این اشعار که انحطاط ادب فارسی در دورهء صفوی از یکایک کلمات و ترکیبات آن‏ هویداست و از سر و روی آن میبارد همان«شاه ولایت»میباشد که در میان مهر قرار دارد(1).

اینک متن نامه اول که از روی نسخهء اصل مضبوط در آرشیو تاریخی فلورانس نقل گردیده است: (1)صورت صحیح سجع مهر اینست:«بندهء شاه ولایت عباس.»

جانب هر که با علی نه نکوست‏ هر که گو باش من ندارم دوست‏ هر که چون خاک نیست بر در او گر فرشته است خاک بر سر او

» رجوع فرمائید به ص 163 مجلد پنجم یغما-مقالهء آقای دکتر مظاهری.(مجله یغما)

هو الله سبحانه

«جلالا للسلطنة و الشوکة و الابهة و النصفة و الحشمة و الجلالة و العزّ و الاقبال کرندوک» «پادشاه عالیجناب سلطنت و جلالتمآب شوکت و نصفت قباب عظمت و حشمت انتساب عالیجاه» «عمدة السلاطین العظام العیسویه اسوة الخوانین الکرام المسیحیه جعل اللّه عواقبه خیر من اوله را» «(کذا)بعد از تمهید قواعد محبت و وداد و تشیید مبانی مودت و اتحاد مرفوع رأی ممالک آرا» «میگرداند که همواره فیما بین نواب کامیاب ملکجناب همایون ما و سلاطین رفیع الشأن فرنگستان» «طریقهء محبت و دوستی مسلوک بوده و همیشه مراسم یگانگی و اتحاد مرعی است و در اینولا» «که زبدة الاشباه فضلی بیک را بدرگاه جهان‏پناه فرستاده بودند بغرب طوسی سرافراز گشت» «و اینمعنی موجب ازدیاد مواد محبت و اتحاد گردید و زبدة القران مشار الیه در خدمت بندگان اشرف» «است و نواب کامیاب همایون ما مغرور فرموده‏ایم که هر کس از جماعت تجار و مترددین آن صوب» «بممالک محروسه آید امرا و حکام ممالک محروسه در اعزاز و احترام او کوشیده در لوازم امداد» «و همراهی تقصیر ننمایند می‏باید که آن سلطنت‏پناه عالیجاه پیوسته طریق آمد شد مسلوک داشته» «در رفع و دفع دشمنان تقصیر ننموده مقرر نمایند که تجار و مترددین از روی جمعیت خاطر بدین» «دیار آمد شد نمایند و هرگونه مهمی و رجوعی که در اینصوب با صواب داشته باشند از روی» «یگانگی و اتحاد رجوع نمایند که منسوبان این دودمان ولایت نشان را بانجام آن نامور فرموده» «فیصل پذیر گردد زیاده چه اطناب نمایند.ایام سلطنت و جلالت و شوکت و حشمت بماناد.» «عواقب امور بخیر باد.»

در این نامه تاریخ مخصوصی جز همان سند عمومی«999»هجری قمری که در میان مهر منقوش است و مقارن سالهای 1590 و 1591 مسیحی میباشد وجود ندارد.مخاطب نامه فردیناندوی اول‏ ( Ferdinando )گراندوک تسکانا( Toscana )میباشد که تا سال 1609 مسیحی میزیسته است.

شاه عباس که از عبارات نامه فوق پیداست دنبال فرصت مناسبی برای ارسال نامه جهت گراندوک‏ تسکانا میگشته است ورود فضلی بیک تاجر مربوط بامیرنشین تسکانا را مغتنم شمرد در باب«یگانگی‏ و اتحاد»فیما بین بکرات سخن گفته است و نتیجهء سیاسی را که از این مکتوب میخواسته است بگیرد با عبارت:«می‏باید که آن سلطنت‏پناه»شروع نموده و بجمله«در دفع و رفع دشمنان تقصیر ننموده»پایان داده است.

ظاهرا نامهء فوق را شاه عباس بوسیله«جورجی»نامی که از همراهان فضلی بیک بوده است‏ برای امیر تسکانا فرستاده است و چون مدتی گذشته و از طرف امیر تسکانا نامه و رسولی نزد شاه عباس‏ نرسیده است شاه عباس بفرستادن دومین نامه اقدام میکند.

؟؟؟ نامهء دوم از حیث خط و تزیینات در متن نامه ظریف‏تر است.طول این نامه یک متر و 12 سانتیمتر و عرض آن 37 سانتیمتر است.مهر شاه عباس در این نامه با نامه اول تفاوت بسیار کرده است.اولا شکل آن از مستطیل تبدیل بمربع شده و قدری کوچکتر شده و 37 میلیمتر در 37 میلیمتر میباشد. ثانیا جز سجع مهر که«عباس بنده شاه ولایت»باشد و تاریخ«999»بقیهء عبارات داخل مهر بکلی‏ تغییر کرده یعنی آن اشعار تبدیل به تجلیل چهارده معصوم شده است«اللهم صل علی النبی و الوصی‏ و البتول و السبطین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الولی و المهدی»

اینک متن نامهء دوم که از روی نسخه اصل مضبوط در آرشیو کتابخانه فلورانس نقل گردیده است:

هو اللّه سبحانه و تعالی(با آب طلا نوشته شده است)

«جلالا للسلطنة و الشوکة و الابهة و النصفة و العدالة و المحبة و المودة و العزّ و الامتنان پادشاه» «گراند که عالیجناب سلطنت و جلالتمآب شوکت و عظمت فباب عدالت و نصفت تناب حشمت و» «ابهت انتساب زیبندهء سریر سلطنت و جهانبان ترازندهء مسند ابهت و کامرانی قدوهء سلاطین عالیشأن» «عیسویه زبدهء فرمان فرمایان مسیحیه جعل اللّه عواقبه خیرا(عبارت دعا با آب طلا نوشته شده است)» «را قوافل محبت و وداد و رواحل مصادقت و اتحاد ابلاغ و ارسال داشته همواره خاطر خطیر کیمیا» «تأثیر متوجه آنست که اسباب دولت و کامرانی و موجبات شوکت و جهانبانی آن سلطنت مآب بر وفق» «رضای حضرت واهب العطایا جلت آلاؤه و توالت نعماؤه(عبارت دعا با آب طلا نوشته شده است)» «که پروردگار عالمیان و خالق انس و جان است مقرون بنظام و انتظام باد.بعد هذا منهی رأی محبت» «آرای مهر انجلا میگرداند که طریقهء محبت و دوستی و خصوصیت و یگانگی پیوسته فیما بین نواب» «کامیاب همایون ما و سلاطین رفیع الشأن فرنگستان مسلوک است و همیشه همت والا همت بر ازدیاد» «مواد محبت و اتحاد مصروف است و حالا مدتیست که زبدة الاماثل و الاقران فضلی بیک را روانه اینصوب» «با صواب نموده‏اند و بعد از آن دیگر خبری از آنجناب نرسیده و با وجود آنکه جرجی رفیق» «فضلی بیک مذکور را نزد آن سلطنت‏پناه عالیجاه فرستادیم اصلا از او هم اثری ظاهر نشد که» «بدانصوب رسیده یا نه و زبدة الاشباه مشار الیه پیوسته حقیقت دوستی و یکجهتی آن شوکت و جلالت» «دستگاه را خاطرنشان نواب همایون ما می‏نماید و چون همیشه فیما بین ما و سلاطین عظیم الشأن» «فرنگستان ابواب رسل و رسائل مفتوح است و فضلی بیک مذکور حقایق حالات آنجائی را بعرض» «اشرف میرساند لهذا او را نگاه داشته‏ایم می‏باید که آن سلطنت و شوکت مآب همواره ابواب» «مکاتبات مفتوح داشته بارسال رسل و رسایل محرک سلسلهء دوستی و یکجهتی بوده و هرگونه مهمی که» «درین دیار داشته باشند از روی یگانکی و اتحاد اعلام نمایند که وکلاء و منسوبان این دودمان بفیصل» «رسانند و تجویز مغایرت و بیگانگی ننمایند چون غرض اظهار تجدید خصوصیت و اتحاد زیاده اطناب» «نرفت عواقب احوال خیر ما نشان موافق رضای حضرت مهیمن متعال جل جلاله(عبارت دعا با آب طلا» «نوشته شده)مقرون بخیر باد»

از روی اسناد موجود در آرشیو فلورانس اولین ملاقات فضلی بیک با شاه عباس در سال 1608 مسیحی باید بعمل آمده باشد و عنوان او در حقیقت نمایندهء تجارتی فلورانس در ایران بوده چنانکه‏ نامهء اول شاه عباس بگراندوک تسکانا نیز جنبه تجارتی دارد و از تسهیلات درباره رفت و آمد تجار سخن میگوید و اما جورجی( Oiorgio )مذکور در نامهء دوم بود شاید شخصی بنام جیورجیو کریجر ( Oiorgio Criger )باشد که سه سال بعد از اولین ملاقات شاه عباس با فضلی بیک یعنی در سال 1611 مسحی آثار حضور و فعالیت او در آرشیو فلورانس دیده میشود.

از عبارت نامهء دوم بخوبی پیداست که شاه عباس در افتتاح روابط و بقول خود«اتحاد و یکانگی» با پادشاهان عیسوی عجله و تأکیدی هرچه تمامتر دارد و از گراندوک تسکان گله میکند که«دیگر خبری‏ از آنجانب نرسیده»و حتی پیداست از این نرسیدن خبر تا اندازه‏ای هم نگران شده مضمون جدیدی‏ در نامهء دوم دیده میشود و آن این است که از گراندوک تسکان میخواهد که«تجویز مغایرت و بیگانگی ننماید»

از مجموع این احوال ظاهر است که شاه عباس در این شتاب و تأکیدی که برای برقراری حسن‏ روابط با«سلاطین عظیم الشأن فرنگستان»دارد بدنبال مقصدی میگردد و آن مقصد چنانکه در آغاز مقاله گفتیم و در نامه‏های بعد بیاید ایجاد اتحادیهء نظامی بر ضد دولت عثمانی بوده است.